

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۹

واکاوی نقش سرمایه روانشناختی در توانمندسازی ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی (نمونه موردی: شهر رشت)

احمد پور احمد*

استاد جغرافیا و برنامه ریزی، دانشگاه تهران

مریم جعفری مهرآبادی

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان

حمید رخساری، امیر رنجبری

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان

چکیده:

حاضر به کمک ۳۲ سؤال بسته مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیاز دهی آن از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده شده است. متغیرهای تحقیق حاضر عبارتند از: خودکارآمدی، امیدواری، خوش بینی، و تاب آوری ساکنان در مسایل مرتبط با توانمندسازی چون کیفیت مسکن، فرصت اشتغال، فرصت‌های آموزشی، ... در قالب گویه‌های مناسب عملیاتی شده است. در تحلیل داده‌های جمع آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS با توجه به هدف تحقیق از آزمون تحلیل واریانس فیشر (F-TEST) و آزمون تعقیبی توکی (Tukey) استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در سکونتگاههای غیر رسمی گونه دوم (سکونتگاههای غیررسمی با پیشینه روستایی) منابع انسانی این سکونتگاهها از نظر سرمایه روانشناختی در وضعیت مطلوبتری تا دو گونه (باز تقسیم و تفکیک زمینهای کشاورزی و تصرف خرنده و باند بازی) دیگر قرار دارند

سکونتگاههای غیر رسمی از مشکلات فراروی شهرهای امروزی خاصه در کشورهای درحال توسعه بشمار می‌روند. بر این اساس، نوع، ماهیت و فرآیند مداخلاتی احتمالی و نحوه برخورد با آنها از جمله مفاهیمی است که جایگاهی ویژه در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری داشته و دارد. در دهه‌های اخیر، توانمندسازی به عنوان رویکرد غالب برخورد با حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی مورد توجه قرار گرفته است، به همین منوال توانمندسازی در مطالعات محققان سکونتگاههای غیر رسمی مفاهیم مختلفی را در بر گرفته است. در این مقاله با توجه مفهوم روانشناختی توانمندسازی به بررسی وضعیت سرمایه روانشناختی در جهت توانمندسازی در سه گونه متفاوت (باندبازی و هجوم، پیشینه روستایی، تفکیک اراضی کشاورزی) از سکونتگاههای غیر رسمی شهر رشت پرداخته شده است. روش تحقیق مقاله حاضر، در مرحله ادبیات و مبانی نظری تحقیق، روشی توصیفی و تحلیلی است که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است، در ادامه با روش مشاهده، پرسشنامه در بستر مطالعات میدانی در سطح سه گونه سکونتگاه غیر رسمی مورد نظر اقدام به بررسی و پیمایش محیط شده است. تحقیق

کلمات کلیدی: سرمایه روانشناختی، توانمندسازی، سکونتگاههای غیر رسمی، رشت.

طرح مسئله

بیش از نیمی از جمعیت جهان در حال حاضر در مناطق شهری زندگی می‌کنند. پیش‌بینی‌های رشد جمعیت شهری در سراسر جهان نشان می‌دهد که بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ فضای شهری در کشورهای در حال توسعه باید دو برابر شود. این رشد سریع شهرها برنامه‌ریزی شهری پایدار و حکمروایی خوب شهری را با چالش مواجه می‌کند، به خصوص هنگامی که محلات به طور مناسبی سازماندهی نشده باشند، نمود چنین سازماندهی‌های نامناسب محلات سکونتگاه‌های غیررسمی است که افزایش سریع جمعیت، عرضه ناکافی زمین مقرون به صرفه برای مقاصد مسکونی و واقعیت‌های اقتصادی ساکنان کم درآمد از مهم‌ترین دلایل اسکان غیرقانونی در جهان است (uzun&simek,2015:157). با رشد معضل سکونتگاه‌های غیر رسمی در سالهای گذشته بسیاری از رویکردها چون خودیاری، مسکن عمومی، طرح‌های مکان و خدمات تا نیمه دوم ۱۹۸۰ در پاسخ به معضل سکونتگاه‌های غیر رسمی رایج شده بود و به طور گسترده‌ای در کشورهای در حال توسعه به کار گرفته می‌شد. ولی ناکارآمدی این طرح‌ها دولت‌ها را بر این داشت که به رویکرد جدید توانمندسازی ساکنان روی بیاورند در این رویکرد اذعان شده است که دولت باید از شدت فعالیت در ساخت و مدیریت سکونتگاه‌های غیر رسمی بکاهد (Hassan,2011:422) و افراد به عنوان بازیگران اصلی این استراتژی‌ها و سیاست‌ها به جای املاک و مستغلات مورد توجه قرار می‌گیرند (Murray,2015: 278-281). در همین راستا رویکرد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در کشورهای مختلف بخصوص کشورهای در حال توسعه با کمک سازمان‌های جهانی آغاز بکار کرد. که این برنامه علاوه بر فشارها و تحولات محیطی، از درون هم با چالش‌هایی از قبیل کنترل بیش از حد، تصمیم‌گیری متمرکز، ساکنان فاقد قدرت و ناراضی با چالش‌های ذهنی، بی‌میلی و بی‌علاقگی به مشارکت، عدم آزادی عمل، خود راهبردی مواجه بوده است. در بسیاری موارد مدیران شهری اقدامات موثری جهت توانمندسازی این نواحی انجام نداده‌اند

و عمدتاً اقدامات خود را معطوف بهسازی معابر و ارتقاء وضعیت کالبدی آنها در طرح‌هایی منفرد و مجزا می‌کنند و به سرمایه انسانی این نواحی توجه نمی‌شود. توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیر رسمی انواع مراحل و جهت‌گیری‌های مختلفی دارد. و موفقیت طرح‌های توانمندسازی که در تجارب جهانی، منطقه‌ای، ملی و حتی محلی مستند شده است، تا اندازه زیادی به بافت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و همچنین به جنبه‌های روانشناختی افراد ارتباط دارد (Bilersbero 1996 به نقل از Safarabadi et al , 2015:85). بگونه‌ای که، یکی از رویکردهای اثربخش در توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی، تکیه بر رویکرد روانشناختی افراد است، سرمایه روانشناختی از شاخص‌های «روانشناسی مثبت‌گرا» است که با ویژگی‌هایی از قبیل باور فرد به توانایی‌هایش برای دستیابی به موفقیت، داشتن پشتکار در دنبال کردن اهداف، ایجاد اسنادهای مثبت درباره خود و تحمل کردن مشکلات تعریف می‌شود. (بهادری خسروشاهی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). در این دیدگاه هر یک از ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی مانند سرمایه‌ای است که می‌تواند در ارتقای کیفیت زندگی در محله خود مؤثر باشد. این سرمایه که تک تک ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی را دربرمی‌گیرد سرمایه روان شناختی است (حکیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰). در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی سرمایه روانشناختی مثبت‌گرا می‌تواند مرحله پیشرو در جهت بررسی وضعیت موجود منابع انسانی این چنین سکونتگاهها در جهت ادامه راه باشد. با این حال توانمندسازی روانشناختی هنوز در بخش سازمانی و از دیدگاه کارمندان در یک سازمان خاص در ادبیات این مفهوم تعریف شده است، اما چنین مفهومی هنوز به ویژه در زمینه فرهنگ‌های لجام گسیخته، به منظور درک عمیق از ارزش‌ها، نگرش‌ها و مفروضات، که تسهیل در برخورد مثبت بین افراد مورد بررسی قرار نگرفته است. با توجه به این، تحقیقات در دیدگاه آینده خود باید بر روی شناخت و رفتارهایی که انطباق‌پذیری فرد را در فرهنگ‌ها، مانند محله‌های فقیرنشین انجام می‌دهند، تمرکز می‌کند، بگونه‌ای که، شرایط برای

۲- کدام گونه از سکونتگاههای غیر رسمی شهر رشت از سرمایه روانشناختی بیشتری جهت توانمندسازی برخوردارند؟

پیشینه تحقیق

در سالهای اخیر مطالعات زیادی در مورد سکونتگاههای غیر رسمی صورت گرفته است. برخی این مطالعات با توسعه سیاست توانمندسازی به سوی بررسی سرمایهها مختلف ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی سوق داده شدند. بگونه‌ای که بیشتر مطالعات پژوهشگران در رابطه با سرمایه روانشناختی به عنوان سرمایه انسانی بخشی از مطالعات سرمایه اجتماعی بوده است که به عنوان مثال می‌توان به مطالعات زیر اشاره نمود:

سرگلزایی جوان و هادیانی (۱۳۹۵)، در مقاله امکانسنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان، سرمایه اجتماعی را در رابطه با چهار نوع دیگر سرمایه (سرمایه انسانی، سرمایه طبیعی، سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی) مورد بررسی قرار دادند. مشیری و همکاران (۱۳۹۲) در ارتباط با جایگاه سرمایه اجتماعی در توانمندسازی و ساماندهی اجتماعات ساکن در سکونتگاههای غیررسمی اشاره کرد؛ نتایج این تحقیق نشانگر این بوده است که در رویکردهای نوین توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی تأکید زیادی بر تقویت سرمایه اجتماعی و استفاده از این سرمایه جهت بسیج چهار نوع دیگر سرمایه (سرمایه انسانی، سرمایه طبیعی، سرمایه مالی و سرمایه فیزیکی) است. همچنین در مطالعه‌ای مشابه بخشی از منطقه مورد مطالعه تحقیق حاضر، مسعود و حق وردیان (۱۳۹۱) به بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی محله استخر عینک رشت پرداختند. آنها در مطالعه خود به شناسایی راه‌های باز تولید سرمایه اجتماعی از قبیل: شناسایی شبکه‌های اجتماعی، شیوه‌های اعتمادسازی، درگیر کردن ساکنین در انجام امور و افزایش آگاهی در بین ساکنان... پرداختند. و در پایان تحقیق پیشنهاداتی نظیر بهره‌گیری از افراد بومی در مشاغل توسعه توریسم در استخر، ارائه تسهیلات جهت جذب سرمایه گذار و... ارائه گردید. همچنین می‌توان به مطالعه

توانمندسازی روانشناختی در سکونتگاههای غیر رسمی حتی با توجه به عدم دسترسی منابع، چالش برانگیزتر است (Sharma and Gupta, 2017: 163). بنابراین ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی در چارچوب‌های ترسیم شده فرهنگی و اجتماعی به سر می‌برد و به طور پیوسته از منابع فرهنگی و اجتماعی، بازخوردهای اطلاعاتی و اصلاحی دریافت می‌کند این بازخوردها قادرند در شکل دهی اهداف، معنای زندگی، مقاومت در برابر فشار و خود ارزیابی‌های مثبت و منفی نقش ماندگار ایفا کنند. از این رو، عدم حمایت نهادهای دولتی، فقدان شبکه‌های اجتماعی حمایت کننده و گسست روابط بین فردی و افول اعتماد بین فردی از ظهور توانمندی‌های ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی در عرصه‌های اجتماعی بازدار می‌کند. در واقع فضاهای بی‌اعتمادی سیاسی و گسست اجتماعی در این محیطها، فرصت جرات ورزی و خودابرازی را از ساکنان می‌گیرد، و از منابع عظیم بازخوردی محروم می‌سازند. در نتیجه فقدان این منابع، چشم‌انداز روندهای آتی زندگی را برای ساکنان سکونتگاههای غیررسمی در ابهام فرو می‌برد. در این مقاله با توجه به نقش سرمایه روانشناختی در توانمندسازی ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی به بررسی وضعیت سرمایه روانشناختی در جهت توانمندسازی در سه گونه متفاوت (باندبازی و هجوم، پیشینه روستایی، تفکیک اراضی کشاورزی) از سکونتگاههای غیررسمی شهر رشت پرداخته شده است. بگونه‌ای که سکونتگاههای غیررسمی شهر رشت در جهات مختلف و الگوهای پیدایشی متفاوتی شکل گرفتند. بررسی این گونه‌های متفاوت سکونتگاههای غیررسمی در یک شهر می‌تواند تحقیق حاضر را در جهت هدف خود که واکاوی نقش سرمایه روانشناختی در توانمند سازی ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی است، یاری کند.

سوالات تحقیق

۱- نقش سرمایه روانشناختی در توانمندسازی ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی شهر رشت چگونه است؟

جمالی و همکاران (۱۳۸۹) با عنوان توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی بر بنیان سرمایه اجتماعی: گفتمانی غیر کالبدی برای توسعه کلانشهر تبریز اشاره کرد. در این مقاله رهیافت توانمندسازی سرمایه روانشناختی به عنوان سرمایه اجتماعی شناختی در نظر گرفته شده است. تحقیق حاکی از آن است که سرمایه روانشناختی به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی به عنوان چسب نگهدارنده کنشگران حاشیه‌نشین در شهر تبریز است. همچنین، حکیمی و همکاران (۱۳۹۵) در این مطالعه خود به بررسی رابطه بین کیفیت مسکن و سرمایه روانشناختی در سکونتگاه‌های غیررسمی محله یوسف‌آباد تبریز پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که، بین شاخص کیفیت مسکن با مؤلفه‌های مربوط به سرمایه روانشناختی همبستگی مثبت و مستقیمی وجود دارد.

مبانی نظری

روانشناسی اجتماعی مطالعه زمینه افراد در جوامع، (Orford, 2008) و روابط فرد با جامعه است. روانشناسان اجتماعی به دنبال درک کیفیت زندگی افراد در گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادها و جوامع هستند. هدف روانشناسی اجتماعی افزایش کیفیت زندگی از طریق تحقق عمل مشترک است (Dalton and et al, 2001). روانشناسی اجتماعی با دیدگاه‌های مختلف در داخل و خارج جوامع، روابط درون آنها، و نگرش و رفتار افراد مرتبط است. روانشناسی اجتماعی برای اولین بار با رشد جنبش‌های بهداشت روانی جوامع شکل گرفته است، اما به طور چشمگیری این تفکر توسط صاحب‌نظران با توجه به ساختارهای سیاسی و زمینه‌های دیگر جامعه تکامل پیدا کرد (Levine, Perkins, 1997) & بگونه‌ای که صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط شامل روانشناسی محیطی^۹، روانشناسی میان فرهنگی^{۱۰}، روانشناسی اجتماعی^{۱۱}، علوم سیاسی، بهداشت عمومی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی^{۱۲}، برنامه ریزی شهری و توسعه اجتماعی^{۱۳} در بسط این تفکر پیشگام بودند Maton and et

al, 2006:10). یکی از اهداف روان‌شناسی اجتماعی شامل توانمندسازی افراد و جوامع به حاشیه رانده شده است (Zimmerman, 2000, Rappaport, 1984). توانمندسازی یک ارزش مثبت فراگیر در مطالعات روانشناسی اجتماعی است. توانمندسازی در برگیرنده دو مفهوم عملکرد فرد در طول زندگی خود و مشارکت دموکراتیک وی در زندگی اجتماعی است، که اغلب از طریق ساختارهای واسطه‌ای مانند مدارس، محله‌ها، کلیساها، و دیگر سازمان‌های داوطلبانه و دولتی شکل می‌گیرد. توانمندسازی انتقال هر دو حس روانی از کنترل شخصی و یا نفوذ و مسائل اجتماعی، قدرت سیاسی، و حقوقی است. در واقع توانمندسازی در روانشناسی اجتماعی مطالعه زمینه چند سطحی از تک تک شهروندان و همچنین سازمان‌ها و محله‌ها و ... است؛ توانمندسازی مفهومی پیچیده و چند بعدی در حوزه روانشناسی اجتماعی است، Rappaport (1984: 4). به همین منظور برای افراد مختلف می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد. به گونه‌ای که توانمندسازی بر حسب ادراک و باورهای شخصی افراد تعریف می‌شود. در واقع افراد باید خود احساس کنند که دارای آزادی عمل و قدرت تصمیم‌گیری هستند (Quinn and Spreitzer, 1997:42). به شکلی که توانمندسازی مفهومی روانشناختی را برای افراد در بر می‌گیرد. که منابع انسانی موجود بتوانند توانایی‌های بالقوه خود را به نمایش بگذارند و به عنوان یک سرمایه خود را بروز بدهد. این سرمایه روانشناختی بیشتر توانایی بالقوه بوده؛ در واقع سرمایه روانشناختی به مفهوم این که ((چه کسی هستید (خود واقعی)) و چه کسی می‌خواهید بشوید (خود ممکن)) اشاره دارد (حیدری‌سربان، ۱۳۹۵، ۵۱). علت نیاز به سرمایه روانشناختی مثبت‌گرا در توانمندسازی را این گونه می‌توان بیان کرد:

- نیاز به یک رویکرد مثبت
- نیاز به یک رویکرد مبتنی بر شواهد
- نیاز به یک رویکرد مبتنی بر عملکرد

¹² - anthropology

¹³ - community development

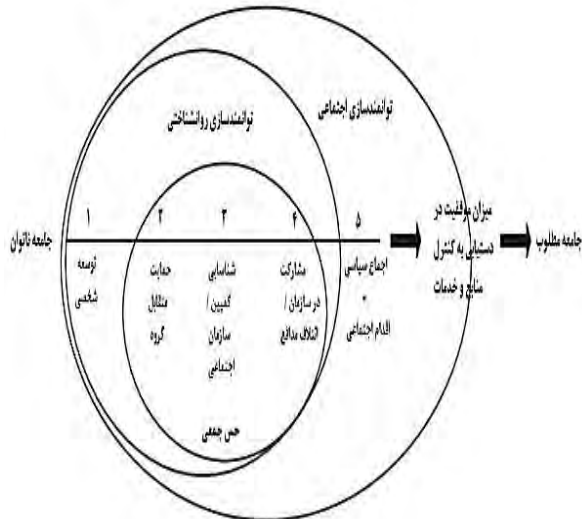
⁹ environmental psychology

¹⁰ - cross-cultural psychology

¹¹ - social psychology

- نیاز به منحصر به فرد بودن

- نیاز به یک رویکرد توسعه پذیر (لوتانز و همکاران، ۱۳۹۲).
توانمندسازی ابتدا در مطالعات روانشناسی و توسعه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت اما امروزه این اصطلاح به طور گسترده‌ای در حوزه‌های علوم مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد (Huyang Hur, 2006: 526). بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که توانمندسازی رویکرد شناختی در جوامع را در بر می‌گیرد (LaPlant, 2003, Ibanez et al., 2001, Rossing Dudka & Glowacki, 2002, Banyard). نظریه پردازان این رویکرد معتقدند که توانمندسازی موضوعی چند وجهی است و آن را به عنوان انگیزش درونی و وظایف محوله به مردم تعریف کرده‌اند که در یک مجموعه از ویژگی‌های شناختی زیر متجلی می‌شود:



شکل (۱): مدل مولفه‌های مهم توانمندسازی جامعه و روند دستیابی به آن، ریزل،

۴۳:۱۹۹۴

ریشه‌های دیدگاه رویکرد روانشناختی در توانمندسازی جوامع سکونتگاه‌های غیر رسمی را می‌توان در نظریه ۱۹۶۲ استاکس در شهرهای بوستون، شیکاگو، گویاکیول و لیما یافت. بگونه‌ای که، "استاکس سکونتگاه‌های غیر رسمی را به گروه آلونک‌های امید (مثبت‌گرا) در مقابل آلونک‌های یاس (منفی‌گرا) تقسیم کرده است. استوکس در مقاله‌ای با طرح این دو اصطلاح به ترسیم مرز مشخصی بین جوامع فقیر موفق و ناموفق پرداخت. منظور استوکس از آلونک‌های امید، سکونتگاه‌هایی بود که روند رو به بهبود و آینده‌ای روشن را در پیش داشتند، و برخلاف آن آلونک‌های یاس چشم‌انداز روشنی از ارتقا و بهبود را نشان نمی‌داد و به تعبیری در قهقرا و زوال قرار داشتند." (ایراندوست و صرافی، ۱۳۸۶: ۲۰۴). در نظریه استاکس "یاس" و "امید" در سکونتگاه غیر رسمی به معنای کیفیت روانی است که "امید" کیفیت واکنش روانی ساکنین زاغه نشینی را نشان می‌دهد که در تلاش برای بهبود وضعیت موجود است "یاس" در همین راستا نشان دهنده فقدان چنین قصدی است و یا یک برآورد منفی احتمالی از هر گونه تلاش برای تغییر وضعیت را نشان می‌دهد. استوکس در مدل خود (شکل ۲) عامل ابتدایی را عاملی روانشناختی مثبت‌گرایی دانست که ساکنان سکونتگاه‌های

موثر بودن: فرد باید به این باور برسد که در انجام وظایفش می‌تواند نقش مهمی در جهت اهداف تعیین شده ایفا کند.

شایستگی: اگر وظیفه به گونه‌ای باشد که فرد بتواند با مهارت، فعالیت‌های موظف خود را به انجام رساند، بر احساس او از کفایت خود، تاثیری مثبت به جای خواهد گذاشت.

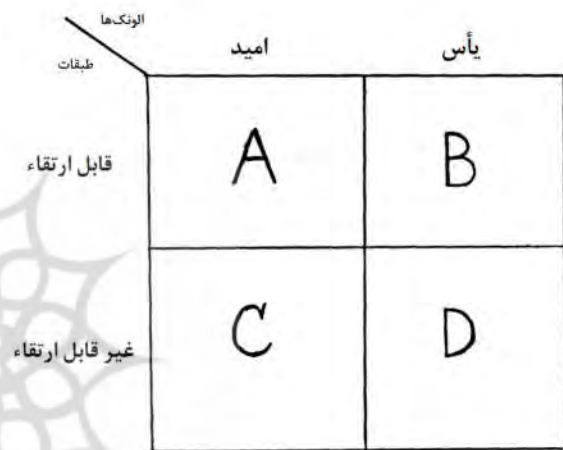
معنا داری: اگر فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد با ارزش تلقی کند، آن وظیفه دارای ویژگی‌های معنا داری است. حق انتخاب: این وظیفه به آزادی عمل مردم در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف خود اشاره دارد (سعیدی رضوانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹). توانمند سازی روانشناختی در مطالعات سکونتگاه‌های غیررسمی موضوعی چالش برانگیز می‌تواند باشد (Sharma and Gupta, 2017: 163). زیرا، در رهیافت توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی به دلیل تاکید بر فرد به عنوان یک سرمایه در جامعه اساسا اولین راهبرد عمده در تدوین، طراحی و اجرای برنامه‌ها، شناخت و آگاهی از وضعیت روانشناختی منابع انسانی موجود است. در همین رابطه، مدل ریزل (۱۹۹۴) به خوبی جایگاه توانمندسازی روانشناختی را در سیر یک جامعه ناتوان به سوی جامعه مطلوب را در شکل (۱) نشان داده است (Rissel, 1994:43).

کسانی هستند که در تلاش برای تثبیت موقعیت خود هستند و نهایتاً گروه سوم منظور کسانی هستند که پله‌های رشد را طی کرده‌اند و با اعتماد بنفس بالا و انگیزه در پی استانداردهای جدید تسهیلاتی زندگی هستند (ایراندوست و صرافی، ۱۳۸۶: ۲۰۴). ترنر به بعد خودیاری فرد در ارتقاء مسکن خود در مقابل کاهش نقش دولت بسیار تاکید داشته است. ترنر به دنبال تغییر نگرش بدبینانه در مورد ساکنان سکونتگاه غیر رسمی بوده است (Harris 2003, 248; Ehebrecht, 2014, 45). در واقع ساکنان سکونتگاه غیر رسمی منابع انسانی بودند که ترنر آنها را بعنوان سرمایه در جهت توانمندسازی این چنین محلاتی شناخته است. برای ترنر خودیاری سکونتگاههای غیررسمی به عنوان توانایی فرد در خود تجهیز با ابزار انگیزش که زندگی فرد را می‌تواند مهیا سازد مطرح می‌گردد. بگونه‌ای که، خود توانمندی به معنی اعتقاد انسان به اینکه توانایی برای بهبود شرایط وجود دارد. به عبارتی ساکنان سکونتگاههای غیررسمی با مهارت‌های شناختی و رفتاری می‌توانند توانمندسازی خود را توسعه دهند و ظرفیت‌های فقیران (رفتاری-شناختی) در سکونتگاههای غیر رسمی می‌تواند به توسعه امکانات سودمند منجر گردد. در واقع، خود توانمندسازی دارای بعدی انسان شناسی است که با این سوال مطرح می‌گردد که آیا یک فرد می‌تواند مسئولیت توانمند سازی خود را بپذیرد؟ (Verster, 2012, 73-78).

شاخص‌های سرمایه روانشناختی

سرمایه روانشناختی در توانمندسازی ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی، سازه‌ای ترکیبی و به هم پیوسته است که ۵ مولفه ادراکی- شناختی زیر را در بر می‌گیرد و هر کدام از آنها به عنوان یک ظرفیت روانشناختی مثبت در نظر گرفته می‌شود، دارای مقیاس اندازه‌گیری معتبر است، مبتنی بر نظریه و تحقیق است و قابلیت رشد دارد و به طور چشمگیری با پیامدهای عملکردی ارتباط دارد. سرمایه روانشناختی یک حالت روانشناختی مثبت و رویکرد واقع‌گرا و انعطاف‌پذیر نسبت به

غیر رسمی با قرار گرفتن در موقعیت A-C امیدوارکننده در جهت بهبود مسکن و زندگی خود تلاش می‌کنند و دومین عامل را عامل روانشناختی منفی گراشمرد که بروز عواملی چون فقدان شغل و فرصت‌های شغلی، فقر که ناشی از بیکاری یا کار ناکافی‌ست، فقدان سرپناه مطلوب با توانایی مالی گروه‌های مختلف و فقدان امکانات بهداشتی، درمانی و آموزشی در دسترس، سوء استفاده و بیگانگی توسط حکومت یا افراد صاحب قدرت باعث افزایش ناامیدی، بدبینی، کاهش اعتماد بنفس در بین افراد در طبقه B-C در چنین نواحی می‌گردد (Stokes, 1962: 189).



شکل (۲): مدل الونک‌های یاس و امید استوکس، ۱۹۶۲: ۱۸۹

در مدل استاکس به صورت افقی محله‌های زاغه‌های امید" و زاغه‌های "یاس"، و به صورت عمودی طبقات قابل ارتقاء و غیر ارتقاء قرار می‌گیرند. ممکن است در مورد محل دقیق قرار گیری زاغه‌ها در این مدل ابهام وجود داشته باشد زیرا اندازه‌گیری اجتماعی "توانایی" عینی و همچنین ذهنی است (همان). پس از استاکس، ترنر نویدبخش دیدگاه مثبتگرایی (فردگرایی) نسبت به ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی بوده است. وی مانند استاکس در یک گونه‌شناسی که بر پایه پویایی گروه‌های ساکن در این سکونتگاهها استوار است، کم درآمدها را در رابطه با وضعیت آنان به سه دسته تقسیم می‌کند، طلایه داران یا تازه واردان کم درآمد، معمولاً مهاجران نورسیده امیدوار و خوشبین به پیدا کردن جای پای در شهر هستند، گروه دوم

زندگی است که از چهار سازه امید (Hope)، خوش بینی (Optimism)، تاب‌آوری (Resiliency) و خودکارآمدی (Self-efficacy) تشکیل می‌شود و هر کدام از آنها به عنوان یک ظرفیت روانشناختی مثبت در نظر گرفته می‌شود، دارای

مقیاس اندازه‌گیری معتبر است، مبتنی بر نظریه و تحقیق است و قابلیت رشد دارد و به طور چشمگیری با پیامدهای عملکردی ارتباط دارد (Luthans, Youssef & Avolio, 2007).

جدول (۱): شاخص‌های سرمایه روانشناختی

تعریف	شاخصه
امید یکی از اجزای داشتن هدف و معنا است. امید ترکیب نوعی عزم درونی - جهش ایمان - با رویدادهای بیرونی است که ما آرزو داریم رخ بدهند (Walsh, 2006). امیدواری از سه جزء تشکیل شده است: عاملیت، برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف و هدف. مقصود از عاملیت، داشتن اراده برای دستیابی به نتیجه موردنظر یا دلخواه است. بنابراین امیدواری، مستلزم عاملیت یا نوعی انرژی برای تعقیب اهداف است. علاوه بر این، دیگر عنصر تشکیل دهنده امیدواری، برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف است که نه تنها دربرگیرنده شناسایی اهداف است، بلکه راه‌های متفاوت رسیدن به اهداف را هم در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، امیدواری مستلزم داشتن اراده برای نیل به موفقیت و همچنین، شناسایی، شفاف سازی و پیگیری راه‌های لازم برای دستیابی به موفقیت است (فیاضی، ۱۳۸۹).	امید ^۱
خودکارآمدی باور فرد به توانایی‌ها در دستیابی به موفقیت را نشان می‌دهد. به باور بندورا که از پیشکسوتان در حیطه تحقیقات مربوط به خودکارآمدی است، خودکارآمدی باعث ترغیب انگیزش و منابع فرد می‌شود و عاملی برای اعمال کنترل روی یک رویداد معین است. باورهای خودکارآمدی اثر وسیعی بر فرآیندهای انگیزشی دارند.	خودکارآمدی ^۲
کنار آمدن موفقیت آمیز فرد با عوامل استرس‌زا و موقعیت‌های دشوار تاب‌آوری نامیده می‌شود (McCubbin & McCubbin, 1996). تاب‌آوری به مطالعه و کشف توانمندی‌های فردی و بین فردی می‌پردازد و باعث پیشرفت و مقاومت در شرایط دشوار می‌شود. (Richardson, 2002). افراد تاب‌آور قدرت پذیرش واقعیت را دارند، و بر این باورند که زندگی با معناتر از آن است که بخواهند در مقابل مشکلات تسلیم شوند (Coutu, 2002).	تاب‌آوری ^۳
یک انتظار کلی دایر بر این است که در آینده چیزهای خوب بیشتر از چیزهای بد اتفاق می‌افتد. مبنای خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی، در عبارت‌های امیدوارکننده یا تجسم موفقیت جای ندارد، بلکه در نحوه تفکر افراد درباره علت‌ها ریشه دارد. به عبارتی این سبک تبیین افراد است که خوش‌بینی و بدبینی را تعیین می‌کند. (Seligman et al, 2005).	خوش‌بینی ^۴

ماخذ: نگارندگان

روش تحقیق

در نرم‌افزار SPSS، پایایی پرسش‌نامه تحقیق ۰,۷۹۱ بدست آمد. و ضریب اصلی آلفای کرونباخ برای تک تک متغیرهای تحقیق از جمله: خودکارآمدی ۰,۸۵۱، امیدواری ۰,۸۱۱، تاب‌آوری ۰,۷۴۲، خوش‌بینی ۰,۸۳۲ و اعتماد بنفس ۰,۷۴۷ می‌باشد. همچنین از طریق ابزار پرسشنامه، متغیرهای تحقیق حاضر به کمک ۳۲ سؤال بسته مورد سنجش قرار گرفت و برای امتیازدهی آن از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده شده است. متغیرهای تحقیق حاضر عبارتند از: خودکارآمدی، امیدواری، خوش‌بینی، و تاب‌آوری ساکنان در مسایل مرتبط با توانمند سازی چون کیفیت مسکن، فرصت اشتغال، فرصت‌های

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه ساکنان سه‌گانه سکونتگاه غیررسمی شهر رشت می‌باشد. براساس فرمول کوکران، تعداد نمونه مناسب با توجه به جمعیت در این سه‌گانه سکونتگاه غیررسمی، برای این تحقیق ۳۸۱ نفر به دست آمد؛ این تحقیق با روش پیمایشی در قالب پرسشنامه انجام گردیده است. روایی صوری پرسشنامه توسط پانل متخصصان مورد تایید قرار گرفت. مطالعه راهنما در منطقه مشابه جامعه آماری با تعداد ۳۰ پرسش‌نامه صورت گرفته و با داده‌های کسب شده و استفاده از فرمول ویژه آلفا کرونباخ

³ - Resiliency

⁴ - Optimism

¹ Hope

² - Self-efficacy

آموزشی، ... در قالب گویه‌های مناسب عملیاتی شده است. در تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS با توجه به هدف تحقیق از آزمون تحلیل واریانس فیشر (F-TEST) و آزمون تعقیبی توکی (Tukey) استفاده شده است.

منطقه مورد مطالعه

شهر رشت یکی از کلان‌شهرهای ایران، مرکز استان گیلان در شمال ایران، و مرکز شهرستان رشت است و مادرشهر استان گیلان و بخش‌هایی از استان‌های همجوار است. این کلانشهر همچنین بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهر شمال ایران در بین سه استان حاشیه دریای خزر محسوب می‌شود. مساحت شهر رشت در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۸۰ کیلومتر مربع بوده است که بنا به برخی از برآوردها مساحت اراضی حاشیه‌نشین شهر قریب به ۸ کیلومتر مربع تخمین زده می‌شود. محله شهر رشت جزو سکونت‌گاه‌های غیررسمی بوده که در این بین ۴ محله عینک، نخود چر، پاسکیاب و سلیمان داراب از بزرگترین محلات غیر رسمی این شهر هستند (شعبانپور، ۱۳۹۴: ۱۰). این شهر در سال ۱۳۹۵ جمعیت ساکن آن ۹۵۶۹۷۱ بوده است که حدود ۱۴ درصد این جمعیت در سکونتگاه‌های غیررسمی به سر می‌برند. سکونتگاه غیررسمی در شهر رشت از سال ۱۳۵۵، خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی شکل گرفته است و محلاتی همچون رازی، باغیان، نخود چر که در دهه ۶۰ در حاشیه شهر قرار داشتند و به صورت غیر رسمی موقعیت فعلی‌شان تقریباً در مرکز شهر می‌باشد ولی محلات مورد مطالعه همچون جماران، سلیمانداراب، صفا سر و... از دهه ۷۵ به بعد شکل گرفته است و در سالهای اخیر گسترش و رشد زیادی داشته است. در این تحقیق با توجه به هدف پژوهش، سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر رشت براساس گونه‌شناسی در سه دسته تقسیم‌بندی شده‌اند:

گونه اول: محله جماران، سلیمانداراب، معلولین: (تصرف‌خرنده و باندبازی) این محلات که از دهه ۷۰ به بعد شکل گرفته است و در سالهای اخیر گسترش و رشد زیادی داشته است (آقایی‌پور، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۰). این محله شامل قسمتی از

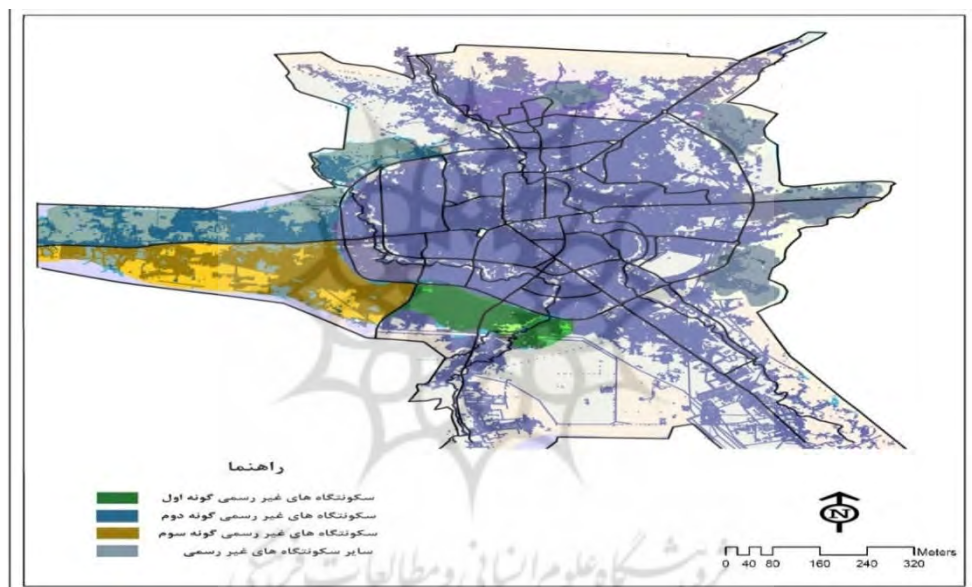
جماران به همراه قسمتی از سرزمینهای بایر است که فاقد واحد مسکونی یا تجاری می‌باشند این سرزمینها به صورت بایر و برمجزار باقی مانده‌اند (آقایی‌پور، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۰). اراضی این محلات اراضی نامرغوبی در حوزه موانع طبیعی است که با نفوذ باندهای زمین‌خواری و تصرف‌خرنده اقوام غیربومی تقسیم‌بندی شده است. براساس گزارش سازمان توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی در گیلان، بسیاری از اهالی به دلیل نداشتن سند مالکیت حق استفاده رسمی از حداقل امکانات زیربنایی زندگی شهری مانند آب لوله‌کشی، برق و ... را نداشته و توسط انشعابات غیرقانونی نیازهای خود را برآورده می‌کنند. و همچنین در حریم رودخانه گوهر رود است که هیچ‌گونه جنبه قانونی ندارد (مهندسین مشاور طراحان راهوند شهر، ۱۳۸۸-۱۳۸۹).

گونه دوم: محله پاسکیاب (پستک)، رازی، باغیان و نخودچر و سیاه اسطخ: (پیشینه روستایی) این محلات که از دهه ۶۰ در حاشیه شهر قرار داشتند و به صورت غیر رسمی بودند موقعیت فعلیشان تقریباً در مرکز شهر می‌باشد (پورآقایی، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۰). این محله تا قبل از سال ۱۳۵۱ به عنوان یک روستا در کنار شهر رشت وجود داشته که در طرح جامع سال ۱۳۵۱ مقداری از این محل به شهر الحاق می‌شود. در سال ۱۳۷۲ نیز مابقی این محله به شهر رشت الحاق شده و به عبارت دیگر این روستا به علت نزدیکی به شهر رشت در طی زمان به عنوان یک محله از شهر محسوب شده است. تراکم جمعیتی در محله پاسکیاب ۱۱۸ نفر در هکتار بوده که از تراکم جمعیتی شهر رشت بالاتر است. الگوی مهاجرت به پاسکیاب عمدتاً از سایر محلات رشت است. نخودچر مانند محله پاسکیاب تا سال ۱۳۷۲ جزو روستاهای اطراف رشت محسوب می‌شده این محله در بخش غربی شهر رشت وقع گردیده است، در اصل یکی از روستاهای حاشیه‌ای شهر بوده که با تبدیل اراضی و تغییر شکل مساکن روستایی به الگوهای جدید ساختمانی، چهره آن عوض شده است. ساخت و سازهای غیر مجاز همچنان در این محله برقرار است (پورآقایی، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۰).

از محلات در قسمت جنوب شهر و همچنین در شمال غربی شهر - خمره بازار در محور رشت - پیربازار، شمال شهر - دباغیان در جنوب شرقی شهر - لاهیجان در بخش شرقی شهر - رازی در بخش جنوب غربی شهر و در مجاورت رودخانه گوهر رود - کولی محله در بخش جنوب غربی و در محور جاده جبرده - تالشان پرد در بخش جنوبی شهر و در مسیر جاده لاکان - پیر کلاچاه یا شهرک صبا در بخش شرقی شهر - را می توان نام برد (پورآقایی، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۰). در نقشه ۱ موقعیت محلات مورد بررسی تحقیق نشان داده شده است.

گونه سوم: محله استخر عینک، صفا سر، ولکس - حمیدیان: (باز تقسیم و تفکیک زمینهای کشاورزی) این محلات در سمت غربی شهر واقع شده است. اکثر افراد ساکن در این محلات از امکانات و خدمات مورد نیاز زندگی محرومند. بخش عمده ای از محدوده محلات فوق جزء طرح توریستی عینک می باشد که در حاضر در تصرف حاشیه نشینان قرار دارد. اراضی این ناحیه عمدتاً فضاهای کشاورزی بوده که توسط زمینداران غیر قانونی تفکیک و تبدیل گردیده و به ساخت و ساز رفته است (پورآقایی، ۱۳۸۳).

محلات دیگری نیز در نقاط مختلف شهر رشت وجود دارند که در ابتدا به صورت حاشیه نشینی بوجود آمده است. می توان



شکل (۳): محدوده منطقه مورد مطالعه

سنی ۲۱-۴۰ قرار گرفته اند و از نظر وضعیت مشاغل بیشتر افراد در این سکونتگاهها در بخش خدماتی شهر مشغول می باشند، در این محلات وضعیت تحصیلات افراد در سطح پایینی می باشد با این وجود قشر جوان محله از نظر این شاخص وضعیت مناسبتری را دارد، از جنبه فرهنگی و قومیتی اقوام مهاجر چون ترک زبانان در سکونتگاههای گونه اول (تصرف خرنده و باند بازی) درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده اند.

یافته های تحقیق

اولین تحلیل در اکثر تحلیل ها، پیدا کردن تصویری از توزیع متغیرها است. این تصویر نه تنها تصویری سودمند در تحلیل است، بلکه غالباً شناخت قاطعی که برای تحلیل های بعدی لازم است، فراهم می آورد. در این مرحله به تحلیل ویژگی های سنی، تحصیلی، اقتصادی و فرهنگی - قومیتی سه گونه سکونتگاه غیر رسمی براساس پیدایش پرداخته شده است. همانگونه که در جدول (۲) مشاهده می گردد بیشتر ساکنان این محلات در گروه

جدول (۲): مشخصات فردی نمونه‌های مورد بررسی قرار گرفته

گروه سنی		گروه اول		گروه دوم		گروه سوم	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۲۶	۱۹٫۸۵	۲۵	۱۸٫۹۴	۳۳	۲۷٫۲۷	۲۰ سال و کمتر	
۳۸	۲۹	۵۴	۴۰٫۹۱	۳۶	۲۹٫۷۵	۲۱-۳۰ سال	
۴۴	۳۳٫۵۹	۲۴	۱۸٫۱۸	۳۸	۳۱٫۴۱	۳۱-۴۰ سال	
۲۳	۱۷٫۵۶	۲۹	۲۱٫۹۷	۱۴	۱۱٫۵۷	۴۱ سال بالاتر	
۱۳۱	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰	۱۲۱	۱۰۰	جمع	
وضعیت اقتصادی							
۱۱	۸٫۴۰	۳	۲٫۲۷	۱۴	۱۱٫۵۷	کشاورز-دامدار	
۳۹	۲۹٫۷۷	۵۳	۴۰٫۱۵	۵۶	۴۶٫۲۸	خدماتی	
۲۷	۲۰٫۶۱	۴۲	۳۱٫۸۲	۱۹	۱۵٫۷۰	اداری	
۵۴	۴۱٫۲۲	۳۴	۲۵٫۷۶	۳۲	۲۶٫۴۵	بازنشسته و از کار افتاده	
۱۳۱	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰	۱۲۱	۱۰۰	جمع	
سطح تحصیلات							
۴۱	۳۱٫۳۰	۴۵	۳۴٫۰۹	۳۶	۲۹٫۷۵	زیر دیپلم	
۳۲	۲۴٫۴۳	۲۷	۲۰٫۴۵	۴۰	۳۳٫۰۶	دیپلم	
۷	۵٫۳۴	-	-	-	-	فوق دیپلم	
۳۲	۲۴٫۴۳	۳۱	۲۳٫۴۸	۱۸	۱۴٫۸۸	لیسانس	
۱۹	۱۴٫۵۰	۲۹	۲۱٫۹۷	۲۷	۲۲٫۳۱	فوق لیسانس	
۱۳۱	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰	۱۲۱	۱۰۰	جمع	
قومیت فرهنگی							
۴۲	۳۲٫۰۶	۸۴	۶۳٫۶۴	۵۶	۴۶٫۲۸	گیلک	
۶۶	۵۰٫۳۸	۳۵	۲۶٫۵۱	۳۱	۲۵٫۶۲	ترک	
۲۳	۱۷٫۵۶	۱۳	۹٫۸۵	۳۴	۲۸٫۱۰	سایر	
۱۳۱	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰	۱۲۱	۱۰۰	جمع	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی در جدول (۳) نشان می‌دهد وضعیت پاسخ گویان ساکنان سکونتگاههای غیر در سه گونه مورد مطالعه با در نظر گرفتن متوسط میانگین ۳ از طیف لیکرت درصد شاخص خودکارآمدگی به ترتیب در گونه اول ۲۶٫۷۲٪، گونه دوم ۳۵٫۷۶٪، گونه سوم ۲۷٫۸۶٪ برآورد شده است. درصد تاب آوری بالاتر از میانگین مطلوب پاسخ گویان ساکن در سه گونه سکونتگاههای غیررسمی شهر رشت به ترتیب در گونه اول ۳۰٫۴۱٪، گونه دوم ۴۴٫۲۷٪ و گونه سوم ۲۰٫۱۹٪ برآورد شده است. وضعیت درصد مطلوب امیدواری پاسخ گویان ساکن در سه گونه سکونتگاههای غیر رسمی شهر رشت به ترتیب در گونه دوم ۴۷٪، گونه اول ۱۷٫۴۶٪، گونه سوم ۲۴٫۴۶٪ برآورد شده است. وضعیت خوشبینی برای میانگین مطلوب پاسخ گویان ساکن در سه گونه سکونتگاههای غیر رسمی به ترتیب در گونه اول ۳۵٫۶۷٪، گونه دوم ۴۳٫۴۱٪ و گونه سوم ۲۷٫۳۸٪ برآورد شده است. همچنین با توجه به جدول (۲) گونه اول سکونتگاههای غیر رسمی شهر رشت از نظر شاخص خوشبینی با ۳۳٫۶۷٪ پاسخ بالاتر از حد متوسط وضعیت بهتری را نسبت به سه شاخص دیگر (خودکارآمدی،

تاب آوری و امیدواری) دارد در گونه دوم شاخص امیدواری با ۴۶٪ پاسخ بالاتر از حد متوسط وضعیت بهتری را نسبت به سه شاخص دیگر (خود کارآمدی، تاب آوری و خوش بینی) دارد. در گونه سوم دو شاخص خود کارآمدکی و خوش بینی با ۲۸،۱۷٪ و ۲۷،۳۸٪ پاسخ بالاتر از حد متوسط و وضعیت بهتری را نسبت به دو شاخص (تاب آوری و امیدواری) نشان می دهند.

جدول (۳): درصد فراوانی سرمایه روانشناختی در توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی شهر رشت

محل	متغیر	درصد پاسخگویان			
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد
گونه اول	خود کارآمدی	۱۹،۵۴	۳۲،۶۹	۲۱،۰۵	۱۸،۱۶
	تاب آوری	۲۸،۱۲	۱۳،۳۳	۲۸،۱۴	۲۲،۰۶
	امیدواری	۱۴،۰۸	۳۶،۷۷	۳۱،۶۹	۷،۱۸
	خوش بینی	۲۲،۸۶	۲۴،۴۹	۱۶،۹۸	۱۳،۰۲
گونه دوم	خود کارآمدی	۱۱،۵۳	۱۳،۹۷	۳۸،۷۴	۲۲،۰۱
	تاب آوری	۱۶،۰۶	۱۷،۲۸	۲۲،۳۹	۳۳،۶۱
	امیدواری	۲۳،۵۵	۱۷،۳۶	۱۲،۰۹	۲۶،۸۳
	خوش بینی	۱۸،۱۹	۲۲،۳۲	۱۶،۰۸	۲۷،۴۱
گونه سوم	خود کارآمدی	۱۵،۳۳	۳۲،۲۸	۲۴،۵۳	۱۴،۰۴
	تاب آوری	۲۰،۲۸	۲۶،۵۷	۳۲،۹۶	۱۴،۳۵
	امیدواری	۱۷،۴۴	۳۶،۰۹	۲۲،۰۱	۱۶،۸۷
	خوش بینی	۲۶،۶۷	۲۸،۱۲	۱۷،۸۳	۱۵،۲۹

ماخذ: یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل

جدول (۵) بیانگر معناداری یا عدم معناداری تفاوت میانگین مورد بررسی در بین گروه‌ها است. جهت بررسی این موضوع می‌بایست براساس معنی داری مقدار آزمون F عمل کنیم. یعنی وقتی که سطح معنی داری آزمون F کوچکتر از ۰،۰۵ باشد، در آن صورت فرض تفاوت میانگین گروه‌ها تایید و در مقابل فرض یکسانی آماری آنها رد می‌شود و بدین معناست که حداقل یک از گروه‌ها، از نظر میانگین نمره مورد نظر با بقیه فرق دارد. نسبت F که در جدول (۵) برابر ۷،۲۸۷ است که حاصل تقسیم میانگین مربع بین گروهی بر میانگین مربع درون گروهی بدست می‌آید، و در سطح خطای کوچکتر از ۰،۰۰۱ معنی دار شده است. بنابراین در سطح ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معناداری در بین سکونتگاههای غیررسمی مختلف شهر رشت از لحاظ سرمایه روانشناختی جهت توانمندسازی وجود دارد.

از پیش فرض‌های آزمون تحلیل واریانس این است که واریانس گروه‌ها باید برابر باشد. جهت آزمون این فرض از آزمون همگنی واریانس لون استفاده می‌کنیم. چنانچه سطح معناداری این آزمون بیشتر از ۰،۰۵ باشد، به این معناست که واریانس گروه‌ها برابر است. در جدول (۴) همانگونه که نتایج نشان آزمون مورد نظر نشان داده است سطح معناداری برابر با ۰،۱۱۱ برآورد شده است که این میزان بیشتر از ۰،۰۵ است و در نتیجه در آزمون مد نظر ما داده‌ها فرض برابری واریانس‌ها را رد نکرده‌اند و فرض برابری واریانس‌ها تایید شده است.

جدول (۴): آزمون برابری واریانس بین گروهی

آماره لون	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	Sig.
۲،۲۱۳	۲	۳۸۱	.۱۱۱

ماخذ: یافته‌های پژوهش

جدول (۵): تحلیل واریانس مدل تک عاملی با اثرات تثبیت شده.

منبع متغیر	مجموع مربع	درجه آزادی	میانگین مربع	F	Sig.
بین آزمودنی‌ها	۱۷۰,۷۹۴	۲	۸۵,۳۹۷	۷,۲۸۷	.۰۰۱
خطا (درون آزمودنی‌ها)	۴۴۶۵,۰۳۹	۳۸۱	۱۱,۷۱۹		
کل	۴۶۳۵,۸۳۳	۳۷۳			

ماخذ: یافته‌های پژوهش

جدول (۶): اطلاعات توصیفی میزان سرمایه روانشناختی جهت توانمندسازی در سکونتگاههای غیر رسمی شهر رشت

میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	تفاوت فاصله اطمینان ۹۵ درصد			مناطق	
			حد پایین	حد بالا	کمترین		
۱۷,۵۳	۳,۵۲۶	.۳۰۸	۱۶,۹۲	۱۸,۱۴	۱۰	۲۴	گونه اول
۱۹,۱۱	۳,۰۱۵	.۲۶۲	۱۸,۵۹	۱۹,۶۳	۱۳	۲۵	گونه دوم
۱۸,۰۳	۳,۷۱۷	.۳۳۸	۱۷,۳۶	۱۸,۷۰	۱۰	۲۵	گونه سوم
۱۸,۲۳	۳,۴۷۹	.۱۷۸	۱۷,۸۸	۱۸,۵۸	۱۰	۲۵	کل

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همانگون که در جدول (۶) میبینیم میزان سرمایه روانشناختی جهت توانمندسازی در سکونتگاههای غیر رسمی گونه دوم با میانگین ۱۹,۱۱ بیش از میانگین میزان سرمایه روانشناختی در جهت توانمندسازی در گونه اول و سوم است. همچنین تفاوت فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد در هر سه گونه نشان می‌دهد که فاصله اطمینان این مناطق (حد بالا و پایین هر منطقه) شامل صفر نمی‌شود بنابراین میتوان تفاوت را ملاحظه کرد. از آنجایی که هدف ما این بوده که میانگین‌های یک صفت کمی را در سه یا بیش از سه گروه مقایسه کنیم، آنالیز واریانس یک طرفه راه حل مناسبی است. در واقع این تجزیه و تحلیل، ما را در فهم تفاوت بین گروه‌ها یاری می‌کند. در طرح آزمایش نیز، هر گاه

بخواهیم اثر عاملی با بیش از دو سطح را بر متغیر پاسخ بررسی کنیم، از آنالیز واریانس یک طرفه کمک می‌گیریم. همان گونه که گفته شد، مواردی که مورد تحلیل قرار گرفته‌اند شامل شاخص‌های مختلف سرمایه روانشناختی جهت توانمندسازی شامل خود کارآمدی، تاب آوری، امیدواری، خوش بینی، اعتماد بنفس است که این شاخص‌ها به عنوان یک شاخص کلی سرمایه روانشناختی در جهت توانمندسازی ساکنان سکونتگاههای غیررسمی در نظر گرفته شده‌اند و مناطق سکونتگاههای غیر رسمی مختلف با یکدیگر مقایسه شده‌اند. ولی این مرحله نمی‌تواند نشان دهد که این تفاوت بین کدام گروه‌هاست.

جدول (۷): آزمون تفاوت میانگین سرمایه روانشناختی جهت توانمندسازی بر حسب سکونتگاههای غیر رسمی مختلف شهر رشت

مناطق	میانگین سرمایه روانشناختی جهت توانمندسازی	انحراف استاندارد	Sig	95% Confidence Interval	
				حد پایین	حد بالا
گونه اول گونه دوم	-۱,۵۷۹*	.۴۲۲	.۰۰۱	-۲,۵۷	-.۵۹
				-۱,۵۲	.۵۱
گونه دوم گونه سوم	۱,۵۷۹*	.۴۲۲	.۰۰۱	.۵۹	۲,۵۷
				.۰۶	۲,۰۹
گونه سوم گونه اول	.۵۰۶	.۴۳۱	.۰۳۵	-۰,۵۱	۱,۵۲
				-۲,۰۹	-.۰۶
گونه سوم گونه دوم	-۱,۰۷۳*	.۴۳۱	.۰۳۵	-۲,۰۹	-.۰۶

ماخذ: یافته‌های پژوهش

میان وجود دیدگاه‌های موجود در رابطه با این سکونتگاه‌ها است. مفاهیم جدیدی چون توانمندسازی اجتماعی نیز بعد از مباحثی چون تمرکززدایی و خصوصی‌سازی وارد ادبیات برنامه ریزی سکونتگاه‌های غیررسمی شده است. مفهوم توانمندسازی ساختاری مشترک است که توسط حوزه‌ها و رشته‌های بسیاری چون جامعه‌شناسی، روانشناسی، آموزش، اقتصاد و مطالعات سازمان‌ها و جنبش‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. توانمندسازی در هر یک از این دیدگاه‌ها متفاوت است و تعریف آن در مورد افراد و موقعیت‌های مختلف متفاوت است. در تعریف عمومی توانمندسازی یک فرآیند چند جانبه اجتماعی است که به مردم کمک می‌کند تا کنترل زندگی خودشان را در دست بگیرند. در دهه‌های اخیر تأکید زیادی بر توانمندسازی در علم روانشناسی اجتماعی به عنوان وسیله‌ای برای مبارزه با مشکلات اجتماعی در زمینه‌های مختلف، مانند سلامت، مسکن، تحصیل و فقر شده است. بگونه‌ای که روانشناسان، مددکاران اجتماعی و برنامه‌ریزان و مروجان سلامت نیز برای رسیدگی به نیازهای مردم محروم و طرد شده از جامعه، بر توانمندسازی آنها تأکید می‌کنند. توانمندسازی رویکردی جدید در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های غیر رسمی برای کاهش فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و مجموعه اقداماتی را در بر می‌گیرد که منجر به شکوفایی قابلیت‌ها و خلاقیت‌های فردی برای ارتقاء وضعیت موجود به وضعیت بهتر است. مطالعه جمالی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داده است که در مسئله توانمندسازی اولویت سرمایه‌های اجتماعی در بعد روانشناختی در نظر گرفته شده است مطالعه حاضر نشان می‌دهد که سرمایه روانشناختی یک گام عقبتر از سرمایه اجتماعی است و مرحله شناخت توانایی‌های ذهنی و روحی افراد به صورت تک تک در یک جامعه است. هرچند که، توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در دیدگاه روانشناسی اجتماعی در دو سطح فردی و جمعی معنا پیدا می‌کند. نتیج مطالعه حاضر با تحقیق حکیمی و همکاران (۱۳۹۵) منطبق بوده است و سرمایه روانشناختی به عنوان یک اصل کلیدی در توانمندسازی

به همین منظور جهت مقایسه جفتی میانگین متغیر ضریب سرمایه روانشناختی در بین گروه‌ها از آزمون تعقیبی توکی استفاده می‌کنیم، نتایج آزمون Post Hoc در جدول (۷) نشان می‌دهد که گونه دوم با گونه اول و سوم تفاوت معناداری دارد در صورتی که بین گونه اول با گونه سوم تفاوت معناداری وجود ندارد.

در این پژوهش با توجه به نقش مهم منابع انسانی در توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی به واکاوی نقش سرمایه روانشناختی در سه گونه از سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر رشت پرداخته شده است نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در سکونتگاه‌های غیررسمی گونه دوم (سکونتگاه‌های غیر رسمی با پیشینه روستایی) منابع انسانی این سکونتگاه‌ها از نظر سرمایه روانشناختی در وضعیت مطلوبتری تا دو گونه (باز تقسیم و تفکیک زمینهای کشاورزی و تصرف خرنده و باند بازی) دیگر قرار دارند. ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی با پیشینه روستایی شهر رشت شامل محلات محله پاسکیاب (پستک)، رازی، باغیان و نخودچر و سیاه اسطوخ و چند سکونتگاه در محدوده خارج شهر رشت می‌باشند. این محلات به دلیل پیشینه روستایی بعنوان جوامع کوچکی در دل شهر نهفته شده‌اند. همانگونه که نتایج تحقیق نشان داده است، ساکنان این گونه سکونتگاه‌ها غیر رسمی در شهر رشت نسبت به خود و آینده محل زندگی خود نگاه مثبتی دارند. این ساکنان از نظر مسکن، اشتغال، آموزش،... نسبیّت به سایر سکونتگاه‌های شهر رشت امیدوار کننده‌تر خود را نشان داده‌اند. و این سرمایه روانشناختی خود را در بعد نهاد خانوادگی در این جوامع نشان داده است.

نتیجه گیری

امروزه یکی از بارزترین نمودهای رشد سریع شهرنشینی، شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران است که به نمادی از فقر شهری بدل شده است. روشن است که پدیده اسکان غیررسمی یکی از مهم‌ترین مشکلات شهرهای بزرگ و تا اندازه‌ای شهرهای کوچک در حال حاضر است. اما نکته دارای اهمیت در این

در سکونتگاههای غیر رسمی و ۳- رویکردهای سنتی منفی گرایانه مبتنی بر حل مسئله و ارائه بازخورد منفی به ساکنان سکونتگاههای غیررسمی. بنابراین، در بعد اول پیشنهاد می شود پژوهش های بومی و با رویکردهای جدید ترکیبی (کمی و کیفی) و در سکونتگاههای غیر رسمی مختلف جهت سنجش اثر بخشی آن انجام شود. و مهمترین چالش پیش روی پارادایم های فکری سنتی است که می تواند مانع دیدن منافع بالقوه سرمایه روانشناختی در سکونتگاههای غیر رسمی گردد به این لحاظ پیشنهاد می شود. رویکردهای جدید را با یک سری تغییر در رویه های با هزینه های اندکی افزایش داد. ایجاد یک جو مثبت، ارائه بازخورد مثبت، روابط انسانی مثبت و سازنده، توجه به توانمندی های ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی، دادن تفضیص اختیار و استقلال به ساکنان، ایجاد اهداف کلی و چالش بر انگیز و... می تواند به افزایش و بهبود سرمایه روانشناختی ساکنان کمک نماید.

منابع

- ۱- ایراندوست، کیومرث، صرافی، مظفر، (۱۳۸۶)، یاس و امید در سکونتگاه های غیررسمی، نمونه موردی شهر کرمانشاه. رفاه اجتماعی: پاییز ۱۳۸۶، دوره ۷، شماره ۲۶؛ از صفحه ۲۰۱ تا صفحه ۲۲۱.
- ۲- بهادری خسرو شاهی، جعفر، هاشمی نصرت آباد، تورج، بابا پور خیرالدین، جلیل، (۱۳۹۱)، رابطه سرمایه روانشناختی با سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز، مجله تخصصی پژوهش و سلامت، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت گناباد، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۱۴۵-۱۵۳.
- ۳- پورآقایی، عبدالله، (۱۳۸۵)، علل شکل گیری اسکان غیر رسمی در شهر رشت و راهکارهای ساماندهی آن، مجله چشم انداز جغرافیایی تابستان ۱۳۸۵ شماره دوم، صفحه ۴۵-۶۶.
- ۴- جمالی، فیروز؛ پورمحمدی، محمدرضا؛ شریف نژاد، جواد؛ (۱۳۸۹)، توانمندسازی سکونتگاههای غیر رسمی بر بنیان سرمایه اجتماعی: گفتمانی غیر کالبدی برای توسعه؛ مطالعه موردی: کلانشهر تبریز: پاییز ۱۳۸۹ - شماره ۱۴، صفحه از ۱۲۲ تا ۱۴۰.
- ۵- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی وضعیت سرمایه روان شناختی مناطق روستایی دارای گردشگر و فاقد گردشگر، مطالعه

سکونتگاههای غیر رسمی شناخته شده است. همانگونه که، نتایج تحقیق حاضر نشان داده منابع انسانی در سکونتگاههای غیررسمی با پیشینه روستایی از سرمایه روانشناختی نسبتاً مطلوبی تا گونه های دیگر سکونتگاهها برخوردارند این عامل به جوامع کوچک غیررسمی اطلاق می شود که در آن گروهی از انسانها دارای نحوه زندگی مشابه، زبان، آداب و رسوم و مقتضیات اجتماعی مشترکی در کنار هم زندگی کنند. روابط موجود بین اعضای جامعه بسیار نیرومند است و با الگوهای رفتاری سنتی مشخص گردیده است. هرچند نهادهای اجتماعی از هم تفکیک نشده اند و بیشتر نهاد خانواده است که وظایف سایر نهادهای مدنی را توأمان انجام می دهد. تعدد و تکثر تعاملات در سایر گونه های سکونتگاههای غیررسمی شهر رشت بسیار بیشتر است. در واقع سرمایه روانشناختی به عنوان یک رویکرد نوین انگیزش درونی به معنی آزاد کردن نیروها و قدرت درونی افراد و همچنین فراهم کردن بسترها و به وجود آوردن فرصت ها برای شکوفایی استعدادها، توانایی ها و شایستگی های ساکنان سکونتگاههای غیررسمی است. میتوان اذعان داشت که شاخص های مادی توانمندسازی به هیچ روی امکان ارزیابی سکونتگاههای غیررسمی را نمی دهد و باید علاوه بر آنها معیارهای دیگری ابداع کرد؛ معیارهایی همچون مفهوم توسعه انسانی که ملاحظه های دیگری را به مانند ارزش های والای انسانی و اهدافی که در جوششی اجتماعی و فرهنگی به زندگی انسانها معنا بخشد، پیش می کشد.

پیشنهادات

سرمایه روانشناختی رویکرد جدیدی است که حدود یک دهه قدمت در عرصه مدیریت منابع انسانی دارد، و این رویکرد به ویژه در مطالعات سکونتگاههای غیر رسمی نیز ادبیات بسیار محدودی تاکنون در این زمینه ایجاد شده است. با این حال، به نظر می رسد درخصوص این رویکرد جدید در رابطه با مطالعات جوامع سکونتگاههای غیر رسمی با سه مشکل مواجه هستیم:

- ۱- عدم آشنایی با این رویکرد و دستاوردهای بالقوه آن، ۲-

عدم مهارت در پیاده سازی استراتژی توسعه سرمایه روانشناختی

- and empowerment. *Journal of Community Psychology*, 30(6), 687-707.
- 15- Coutu, D.L. (2002) 'How resilience works', *Harvard Business Review*, 80, (May), 46-55.
- 16- Dalton, J.H., Elias, M.J., & Wandersman, A. (2001). "Community Psychology: Linking Individuals and Communities." Stamford, CT: Wadsworth.
- 17- Ehebrecht, Daniel, (2014), *The challenge of informal settlement upgrading: Breaking new ground in Hangberg, Cape Town?* Potsdam : Univ.-Verl., 2014 ISBN: 978-3-86956-300-8.
- 18- Harris, R. (2003): *A Double Irony: The Originality and Influence of John F.C. Turner*. In: *Habitat International* 27 (2003), 245-269.
- 19- Hassan, Ghada Farouk, (2011), *The enabling approach for housing supply Drawbacks & prerequisites - Egyptian experiences*, *Alexandria Engineering Journal* (2011) 50, 421-429.
- 20- Hyuang Hur, M. (2006) "Empowerment in terms of theoretical perspectives: exploring a typology of the process and components across disciplines". *Journal of Community Psychology*; Vol. 35, pp. 523-541.
- 21- Ibanez, G.E., Khatchikian, N.K., Buck, C.A., Weisshaar, D.L., Abush-Kirsh, T., Lavizzo, E.A., et al. (2003). *Qualitative analysis of social support and conflict among Mexican and Mexican- American disaster survivors*. *Journal of Community Psychology*, 31(1), 1-23.
- 22- Jim Orford, (2008) *Community Psychology: Challenges, Controversies and Emerging Consensus*, John Wiley and Sons, 2008.
- 23- Levine, M., & Perkins, D.V. (1997). "Principles of Community Psychology (2nd Ed)". New York: Oxford University Press.
- 24- Maton, K. I., Perkins, D. D., & Saegert, S. (2006). *Community psychology at the crossroads: Prospects for interdisciplinary research*. *American Journal of Community Psychology*, 38(1-2), 9-21.
- 25- McCubbin, M. A., & McCubbin, H. I. (1996). *Resiliency in families: A conceptual model of family adjustment and adaptation in response to stress and crisis*. In H. McCubbin, A. Thompson, & M. McCubbin (Eds.), *Family assessment: Resiliency, coping, and adaptation: Inventories for research and practice* (pp. 1-64). Madison: University of Wisconsin.
- 26- Murray, Karen Bridget, (2015) *Bio-gentrification: vulnerability biovalue chains in* موردی: شهرستان اردبیل، نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، مقاله ۴، دوره ۵، شماره ۱۸، صفحه ۴۷-۶۲.
- ۶- سرگلزایی جوان؛ طیبه و هادیانی؛ زهره، (۱۳۹۵)، امکانسنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در محله شیرآباد شهر زاهدان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، زمستان ۹۵، شماره ۶۳.
- ۷- سعیدی رضوانی، نوید؛ انصاری، محمد حسین؛ توحیدلو، وحیده، ۱۳۹۱، بررسی و ارائه راهکارهای توانمندسازی اجتماع محور با تأکید بر مشارکت مردمی در ساماندهی و توانمندسازی بافتهای فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی شیراز، کرمانشاه و سندج)، مقاله ۴، دوره ۳، شماره ۴۱ و ۴۲، پاییز ۱۳۹۱، صفحه ۶-۲۲.
- ۸- شعبانپور، زهرا، ۱۳۹۴، تحلیل تاثیرات اسکان غیر رسمی بر توسعه پایدار شهر نمونه موردی رشت، اولین همایش پژوهش‌های کاربردی در علوم جغرافیایی، سمنان، گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان.
- ۹- فیاضی، مرجان، سیمار اصل، نسترن، کاوه، منیژه، ۱۳۸۹، استفاده از روانشناسی مثبت‌گرا در مدیریت و رهبری سازمان (جنبشی روبه گسترش)، همایش ملی چالش‌های مدیریت و رهبری در سازمان‌های ایرانی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات اصفهان.
- ۱۰- لوتانز و همکاران (۱۳۹۲). سرمایه روانشناختی سازمان: تحولی در مزیت رقابتی سرمایه انسانی. مترجم عبدالرسول جمشیدیان و محمد فروهر. انتشارات آبیژ، تهران.
- ۱۱- مسعود؛ محمد؛ حق وردیان؛ فاطمه، (۱۳۹۱)، نقش سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: پیرامون محله استخر عینک رشت) مقاله ۹، دوره ۷، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۱، صفحه ۱۲۸-۱۴۰.
- ۱۲- مشیری، فرخ؛ مظفر صرافى و محجوبه دهبان، ۱۳۹۲، جایگاه سرمایه اجتماعی در توانمندسازی و ساماندهی اجتماعات ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران، انجمن محیط‌زیست کومش، دانشگاه صنعت هوایی.
- ۱۳- مهندسین مشاور طراحان راهوند شهر، ۱۳۸۹-۱۳۸۸، گزارش دستور ستاد ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، استان گیلان.
- 14- Banyard, V.L., & LaPlant, L.E. (2002). *Exploring links between children maltreatment*

- Progress: Empirical Validation of Interventions. *American Psychologist*. 60(5), 410-421.
- 34- Sharma S, Gupta A (2017), The Everyday lives and coping Strategies of women in Delhi; Discerning roots of Psychological Empowerment- An Ethnographic Study, *International Journal of Indian Psychology*, Volume 4, Issue 2, No. 96, ISSN:2348-5396 (e), ISSN:2349-3429 (p), DIP:18.01.198/20170402, ISBN:978-1-365-84232-0.
- 35- Stokes, Charles J, (1962), A Theory of Slums, *Land Economics*, a quarterly journal of Planning, Housing & Public Utilities, Vol. 38, No. 3 (Aug., 1962), pp. 187-197.
- 36- Uzun, Bayram, Simsek, Nida Celik, (2015), Upgrading of illegal settlements in Turkey; the case of North Ankara Entrance Urban Regeneration Project, *Habitat International* 49 (2015) 157e164.
- 37- Verster, Pieter, (2012), New hope for the poor: A perspective on the church in informal settlements in Africa, Publisher AFRICAN SUN MeDIA, ISBN1920382011, 9781920382018.
- 38- Walsh, F. (2006). *Strengthening Family Resilience*. New York: The Guilford Press.
- 39- Zimmerman, M.A. (2000). Empowerment Theory: Psychological, Organizational and Community Levels of Analysis. "Handbook of Community Psychology," 43-63.
- gentrifying neighbourhoods†, *Urban Geography*, 36: 2, 277-299, DOI: 10.1080/02723638.2014.973225.
- 27- Quinn, Robert. E. & Gretchen .M Spreitzer (1997), " The rood to Empowerment: seven question every leader should consider ", *Organizational Dynamic*, V26 n 2. pp.37-51.
- 28- Rappaport, J. (1984). *Studies in empowerment: Introduction to the issue*. "Prevention in Human Services," 3-p1-7.
- 29- Richardson, G.E. (2002). The Metatheory of Resilience and Resiliency. *Journal of clinical psychology*, 58 (3), 307- 321.
- 30- Rissel, C. (1994). Empowerment: The holy grail of health promotion. *Health Promotion International*, 9(1): 39-47.
- 31- Rossing, B., & Glowacki-Dudka, M. (2001). Inclusive community in a diverse world: Pursuing an elusive goal through narrative-based dialogue. *Journal of Community Psychology*, 29(6), 729-743.
- 32- Safarabadi, Aam, Moayedfarm, Saeedeh, Varesi, Hamidreza, (2015), urban sustainable development with emphasis on the empowerment of informal settlements in urban areas. The case of yazd, iran , *European Journal of Geography* Volume 6, Number 1:83-97.
- 33- Seligman, M. E. P., Steen, T. A., Park, N. & Peterson, C. (2005). *Positive Psychology*